

ریچارد استنکل

راه مانده

پانزده درس در باب
رشدگی، عشق و شجاعت

مترجم
سیما رفیعی

فهرسب

۹	مقدمه‌ی نلسون ماندلا
۱۱	۱- مرد پیچیده ..
۲۸	۲- شحاتت به معنی نترسیدن بیست ..
۴۰	۳- حساب‌شده رفتار کن
۵۵	۴- پیشاپیش حرکت کن
۷۰	۵- از پشت سرهدایت کن
۸۰	۶- آراسته باش
۹۳	۷- به یک اصل اساسی پایسد باش، مانقی تاکتیک است
۱۰۴	۸- خوبی را در دیگران بین
۱۱۷	۹- دشمنت را بشاس
۱۳۲	۱۰- رقبایت را دور و برت نگاه‌دار
۱۴۰	۱۱- رمایی برای به گفتس
۱۴۵	۱۲- بازی طولانی
۱۵۱	۱۳- بدون عشق هرگر
۱۶۸	۱۴- کناره‌گیری به مثانه‌ی رهبری
۱۷۳	۱۵- همیشه هر دو
۱۷۸	۱۶- باعچهات را پیدا کن
۱۸۶	هدیه‌ی ماندلا
۱۹۸	قدردایی ..

مرد پیچیده

ما طالب قهرماییم اما تعداد این افراد انگشت شمار است شاید نلسون ماندلا آخرین قهرمان واقعی بر روی این کره خاکی باشد او سمل متسم ایثار و صداقت است و به عنوان یک قدیس رده، مورد ستایش میلیون‌ها میلیون انسان می‌باشد اما این تصویری یک بعدی از اوست، خود او اولین کسی است که به شما خواهد گفت که ما یک قدیس فاصله‌ها دارد که البته این یک تعارف فروتنانه نیست نلسون ماندلا مرد اصداد است طاهراً حوسرد و بی‌تفاوت است اما احساساتش خیلی رود حریره‌دار می‌گردد احساسات عریبه‌ها را خوب درک می‌کند اما اغلب سست به احساسات اطرافیانش بی‌تفاوت است مرد سخاوتمندی است اما موقع انعام دادن ناحس خشکی می‌کند حاضر نیست پا روی مورچه نگذارد اما اولین فرمانده شاحه‌ی نظامی کنگره‌ی ملی افریقا بود او یک رهبر مردمی است اما اهل حش و سرور و برن نکوب هم هست او مشتاق حلب رصایت افراد است اما ناکی هم از به گفتن، ندارد او علاقه‌ای به پذیرش مسئولیت ندارد اما در زمان ضرورت برای این کار، اعلام

آمادگی می‌کند دست تک تک حدمه‌ی آشپزخانه را می‌فشارد اما نام حیلی از محافظانش را نمی‌داند

شخصیت او آمیره‌ای از مشش شاهانه‌ی افریقایی و اشرافیت انگلیسی است یک حتملمن ویکتوریایی در لباس انریشم، مردی موقر و مادی آداب که این همه را از مدیران مدارس استعماری آموخته، مدیرانی که چارلر دیکر می‌خواندند، در رمانه‌ای که دیکر همچنان می‌نوشت

رفتارش رسمی است، کمی حم می‌شود، دستش را حلو می‌آورد و تعارف می‌کند که اول شما نهرمایید اما نه موقع خود، راحت و خودمانی می‌شود و از این که حرئیات توالت رفتن را در روبن آیلند برای تان شرح دهد، انایی ندارد یا احساسات خود را رمانی که در شانرده سالگی در مراسم حتنه‌سوران قبیله، پوستش را قلفتی می‌کنید، بر ریان آورد موقع عدا خوردن در لدن و ژوهاسبورگ از قاشق و چنگال نقره استفاده می‌کند اما رمانی که در سررمین مادریش، ترانسکی، نه سر می‌برد، دوست دارد طبق آداب محلی با دست عدا بحورد

نلسون ماندلا دقیق و نکته سح است وقتی دستمال کاغدی را از حعه بیرون می‌کشد، ابتدا آن را تا می‌کند و بعد توی حیش می‌گذارد یک بار نه هنگام مصاحه شاهد بودم که وقتی متوحه شده حورانش را پشت و رو پوشیده، کفشش را درآورده و حورانش را صحیح نه پا کرده در ریدان در طول دو دهه، از هر نامه‌ای که می‌نوشت، کپی تهیه می‌کرد برای نامه‌های دریافتی هم لیستی تهیه کرده بود که در آن تاریخ نگارش و دریافت نامه و بیر تاریخ ارسال پاسخ همه در آن قید شده بود

تا قبل از اردواحش با «گرشا مچل»^۱، شبها روی تحت حواب دو نفره طوری می‌حوایید که یک طرف آن مرتب و دست بحورده می‌ماند

حالا هم صح‌ها، قبل از طلوع آفتاب وقتی از رحتحواب برمی‌حیرد، بلافاصله تحتش را مرتب می‌کند، چه در حانه باشد، چه در هتل حدمه‌ی هتل را دیده بودم که چگونه از دیدن این مسطره تعجب می‌کردند از تأحیرکردن بیرار است و عدم وقت‌شناسی را صعب احلاقی به حساب می‌آورد

تا نه حال کسی را مثل ماندلا بدیده‌ام که نتواند مثل یک تدیس، ساکت و بی‌حرکت باشد رمانی که نشسته یا دارد گوش می‌دهد، با انگشتان یا پاهایش هرگر صربه نمی‌رید یا حانه‌ها نمی‌شود در او از هیچ تکانه‌ی عصی حری بیست وقتی می‌حواستم کراواتش را مرتب کنم یا میکروفس را روی یقه‌اش تطیم کنم، انگار که با یک محسمه طرف بودم وقتی نه شما گوش می‌دهد، گویی نه با خود او که با تصویرش روبه‌رو هستید، اصلاً متوحه نفس کشیدش هم نمی‌شوید

او افسونگر قدرتمدی است که یقین دارد می‌تواند شما را افسون کند او هوشمند، مادی آداب، گیرا و حداب است هرچند که از این کلمه بیرار است اما او دلرباست و تلاش می‌کند که چنین باشد قبل از ملاقات با افراد، سعی می‌کند اطلاعات کافی در باره‌شان کسب نماید وقتی از ریدان آراد شد، مقالات رورنامه‌ها را می‌خواند و شحصاً نویسدگان آن‌ها را مورد تفقد قرار می‌داد او مثل